

واکاوی ریشه‌های قرآنی شعار «ما می‌توانیم» (مؤلفه‌ها و مبانی)

فاطمه زاهدی^۱ (نویسنده مسئول)

طاهره ماهروزاده^۲

چکیده

در طول تاریخ، شعارها عصاره نیازها، آرمان‌های بشر در حرکت‌های اجتماعی بوده است. برداشت توده مردم این است که شعار امری ظاهری و سطحی است و حفظ شعار و اجرای آن ارتباطی با مسائل اصلی ندارد. یکی از مسائل اساسی هر انقلابی تفکر آن است، که نقش مهمی در پیشبرد انقلاب ایفا می‌کند. بررسی و مطالعه شعارهای انقلاب می‌تواند روشن کننده ابعاد اساسی تفکر انقلاب باشد. یکی از شعارهای انقلاب اسلامی که در گام دوم بیان شده «ما می‌توانیم» است. تأکید مقام معظم رهبری^(مدظله) بر حفاظت از شعار مامی‌توانیم و حاکم شدن آن در جامعه برای رشد و قدرت و عزت انقلاب اسلامی است. نوشتار حاضر با روش تحلیلی محتوا، و مطالعات منابع کتابخانه‌ای به واکاوی ریشه‌های قرآنی شعار «ما می‌توانیم» پرداخته است، تا ظرفیت فهم آن را سریع‌تر و تأثیر گذاری آن را بیشتر

۱. دانش پژوه دکتری رشته تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی شهیده بنت الهدی. ایمیل:

fatemezahedi888@gmail.com

۲. استادیار عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی شهیده بنت الهدی، گروه قران و حدیث، مدیر گروه

پژوهشی تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهراء ایمیل: mahrozadeh@gmail.com

و ملموس‌تر سازد. داده‌ها نشان می‌دهد «مامی‌توانیم»، مرادف اعتماد به نفس در علم روانشناسی است؛ منتها مفهوم آن بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر است. اعتماد به نفس قرآنی از عناصر و مؤلفه‌هایی چون کرامت نفس، عزت نفس، ایمان و تقوا شکل می‌یابد، و براساس خودشناسی، خداشناسی و توکل استوار می‌گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن، شعار، کرامت نفس، اعتماد به نفس، توکل، گام دوم، انقلاب اسلامی.

مقدمه

در طول تاریخ، شعارها عصاره نیازها، و آرمان‌های بشر در حرکت‌های اجتماعی بوده است. شعار در هر مسلک و مکتبی از جایگاه خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که پیوند مستمری با آن مسلک و مکتب دارد، تا جایی که تبلور خواسته‌ها و آرزوهای آن بشمار می‌رود. شعار یک یا چند جمله بی‌محتوای ظاهری نیست، بلکه وسیله مناسبی برای بیداری مردم و جذب آنان به شرکت در اجتماعات است.

برداشت توده مردم این است که شعار امری ظاهری و سطحی است و حفظ شعار و اجرای آن، با مسائل بنیادین انقلاب بی‌ارتباط است، در حالی که شعارها در همه مکاتب، نشان دهنده محتوا و باطن آن است. در جریان انقلاب اسلامی شعارها از قلب توده دردمند، می‌جوشید و به تدریج در طول تظاهرات شکل می‌گرفت؛ از این رو، شعارها برای همه مردم قابل فهم بود. اما هم اکنون که در گام دوم انقلاب قرار داریم، با توجه به اینکه پیام انقلاب در قالب شعارها به جهانیان ابلاغ، می‌شود و می‌تواند میان نیازها و خواسته‌های حال و آینده ارتباط برقرار کند، باید مورد تحلیل محتوایی و واکاوی ساختاری قرار گیرد، تا ژرفای فهم آن را سریع‌تر و تأثیر گذاری آن را بیشتر و ملموس‌تر سازد. از سوی دیگر به فرموده مقام معظم رهبری: «اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود... بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت

با توجه به مطالعات صورت گرفته، شعارها همزاد بشر است اما پیشینه پژوهشی آنها در ایران به بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. داده‌ها نشان می‌دهد، در ایران پژوهش‌های چشم‌گیری در زمینه شعارهای انقلاب صورت نگرفته است؛ جز جمع‌آوری و تحلیل مختصر شعارها و بیان برخی کارکردهای آن، مانند کتاب: «مبانی، اهداف و بازتاب شعارهای انقلاب اسلامی»، نوشته مرتضی اشرفی (۱۳۹۶) است. مقاله «قرآن علم ارتباطات تبلیغ و رسانه بررسی کارکردهای شعار در قرآن» اثر دکتر محسن صمدیان و زهرا فخاری است (۱۳۸۹)، که از منظر آیات و روایات کارکردهای شعار را مورد بررسی قرار داده است. هر چند

این نوشتار به نوبه خود اثر ارزشمندی است، اما به ریشه‌های قرآنی شعارها، که نوشته حاضر آن را مورد همت خویش قرار داده، نپرداخته است؛ زیرا شعارهای الهام گرفته از قرآن، از تأثیر گذاری بیشتری برخوردار است و به همین رو، شعارهای ابتدای انقلاب شور انگیز تر و جذاب تر بود. بر این اساس، شعارسازی مبتنی بر محتوای قرآنی گذشته از آنکه نوعی تعظیم شعائر الهی است، که قرآن آن را در آیه: «وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ هر کس شعائر الهی را محترم و گرامی بدارد، شایسته تکریم بوده و از کمال پاکدلی و خداشناسی است» (حج/۳۲)، گوشزد می‌کند، به شعارهای انقلاب اصالت قرآن می‌دهد، و این نگاه، ضمن اینکه نقش مهمی در پویایی و تحرک جامعه اسلامی و پاسداشت از دستاوردهای انقلاب را فراهمی می‌کند، کمک شایانی نیز، به پژوهش‌گران حوزه تبلیغات، و جامعه شناسان، می‌کند؛ چرا که شعارها میراث ارزشمند و مهمترین منابع مطالعه برای ارزیابی فرآیند انقلاب، ارزشها، و آرمان‌ها و موقعیت انقلاب اسلامی در جهان است: «آرمان اعتماد به نفس؛ یعنی همین «ما می‌توانیم» که در حرف‌های شماها هم بود؛ این یک آرمان است. بایستی دنبال تفکر اعتماد به نفس ملی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملی [بود] و به‌عنوان یک آرمان حتماً باید تعقیب بشود»

امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۰۴/۲۵ (۲۰۳۰۲۵۵) :
<https://farsi.khamenei.ir/search-result?q>

از این رو، تحقیق حاضر با رویکرد قرآنی با استفاده از منابع تفسیری و با روش توصیفی - تحلیلی، در صدد پاسخ گویی به این سؤال است که: «ریشه‌های قرآنی شعار"ما می‌توانیم" چیست؟» داده‌های اولیه نشان می‌دهد واژه ترکیبی «اعتماد به نفس» معادل و محتوای شعار: «ما می‌توانیم» بوده و از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا آرمان‌ها و خواسته‌های انقلاب اسلامی در گام دوم در آن تبلور می‌یابد: «ما می‌خواهیم یک... کشوری در فضای علمی دنیا سر بلند کند که دنیا را از جهالت و ضلالتی که به آن دچار است نجات بدهد. جوانهای عزیز! این شدنی است. اگر شما بتوانید کشورتان را پیشرفته کنید از لحاظ

علمی، از لحاظ اعتماد به نفس، از لحاظ ابتکارات، از لحاظ تلاش، در این دنیای سرشار از جهالت و ضلالت، یک کشوری سر بر خواهد آورد که از لحاظ شاخص‌های مورد قبول دنیا - شاخص علم، شاخص پیشرفت فتاوری، شاخص ثروت، شاخص مادّیات و شاخص‌های انسانی - و در عین حال برخوردار از معنویّت و شرافت و توجّه به خدا و ایمان و اعتماد به خدا در سطح عالی قرار می‌گیرد. این اگر چنانچه به وجود بیاید، مهم‌ترین مؤثر و تأثیرگذارنده در جلب ایمان‌ها و دل‌های مردم خواهد بود؛ بشریّت را می‌توانید شما نجات بدهید. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۲۸/۰۷/۱۳۹۵ (۳۴۷۰۳) = <https://farsi.khamenei.ir/search-result?q>).

کاوش در قرآن کریم نشان می‌دهد «اعتماد به نفس» در کاربست قرآنی تفاوت‌های چشم‌گیری با علم روانشناسی دارد و از مفهومی بسیار گسترده بر خوردار است و جزء مفاهیم ارزشی به‌شمار می‌رود. از این رو، مقام معظم رهبری^(مدظله) فرمودند: «شعارها و اصول باید تنقیح و با مبانی و محکّمات اسلام تطبیق داده شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۶۱). بر همین اساس، هدف نوشته حاضر، اکتشاف ارتباط شعارهای گام دوم انقلاب با مفاهیم ارزشی قرآنی است و آن را در محورهای زیر، مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. شناخت شناسی مفاهیم مرتبط با شعار: «ما می‌توانیم!»

چنانکه پیش از این اشاره شد، شعار: «ما می‌توانیم»، با محتوای «اعتماد به نفس» «تَوَكَّلْ»، همخوانی دارد و بررسی منابع لغوی نشان می‌دهد واژه «تَوَكَّلْ» از ریشه «وک ل» با اعتماد هم‌پوشانی دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۰۵/۵)؛ چرا که توانمندی انسان فقط با اتکا به خداوند تحقق می‌پذیرد: «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ (هود/۸۸)». برای درک بهتر بحث واژه شعار، اعتماد به نفس و توکل، مورد بررسی مفهومی قرار می‌گردد، تاریخچه‌های قرآنی شعار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تبیین گردد:

۱.۱. مفهوم شعار

در لغت عربی؛ واژه «شِعَار» جمع أَشْعِرَة و شُعْر، علامت و نشانه، ندای جنگ که به آن (سِرُّ اللَّيْلِ) گویند (فیومی، بی‌تا، ۳۱۵/۲؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۶۹۹/۲). در اصطلاح نشان و علامت یک گروه، در جنگ یا سفر است که به وسیله آن همدیگر را شناسایی می‌کنند. مانند عید و حج که شعار اسلام است (همان). در ادبیات فارسی شِعَار، علامت و نشانه مخصوصی است که گروهی از مردم به وسیله همدیگر را می‌شناسند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۶۰۰/۹؛ معین، ۱۳۸۲: ۱۶۷۹/۳).

بنابر این، به نظر می‌رسد شعار، علامت، نشانه و آرم فکری و اندیشه یک مکتب یا مسلک است که به وسیله آن شناخته می‌شود.

۲.۱. مفهوم اعتماد به نفس^۱

اعتماد به نفس ترکیبی از دو واژه «اعتماد» و «نفس» است. که به صورت مختصر بررسی می‌شود:

در لغت عرب؛ «اعْتِمَاد» از ریشه عَمَد، قصد کردن و استناد کردن است (فراهیدی، بی‌تا: ۵۷/۲). برخی معتقد است اصل واژه «عمد»، معنای متمایل شدن به چیزی و کسی در آرامش است و قصد همراه استناد و اتکا بر چیزی، از مصادیق آن، به شمار می‌رود (مطصفوی، ۱۳۶۸: ۲۱۶/۸)؛ وقتی گفته شود: «اعْتَمَدَ عَلَى الشَّيْءِ» معنای بر چیزی تکیه کرد، به آن چیز اعتماد کرد را می‌دهد (فیومی، بی‌تا: ۴۲۸/۲). چنانکه اعتماد به معنای توکل نیز آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۲/۳). در قرآن خداوند می‌فرماید: «إِيمَانٌ ذَاتُ الْعِمَادِ (فجز/۷)؛ یعنی چیزی که مورد اعتمادشان بود و به آن امید بسته بود (جوهری، ۱۴۱۰: ۵۱۱/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۵).

نفس: در لغت، به سه معنای: روح، به عنوان مایه حیات جسد، عین چیزی و هوای که

1. Self – confidence.

داخل و خارج بدن می‌شود، به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۲۷۱/۷). چنانکه برخی مفسران معانی سه‌گانه: روح، تأکید در مثل «جائنی زیدُ نفسه»، و ذات چیزی، برای نفس ذکر می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۳۳/۱). و در آیات الهی به معانی متعددی به کار رفته که مهم‌ترین آن‌ها معانی سه‌گانه است؛ اول: نفس، بر وزن فلس به معنی ذات (قرشی، ۱۳۷۱: ۵/۴۱)؛ در مثل: «وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ» (بقره ۹)، نفس معنای ذات چیزی را می‌دهد. چنانکه در گفتگوی خداوند با حضرت عیسی، از همین معنا استفاده شده است: «إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ» (مائده ۱۱۶). دوم؛ به معنای انسان مرکب از جسم و روح است. مانند آیه شریفه: «... خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (زمر/۶)، سوم؛ روح انسانی، در مثل آیه: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (زمر/۴۲).

در لغت فارسی؛ اعتماد را پشت گرمی، اعتقاد، اطمینان، استواری، توکل معنی می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۴۹۶/۲). و در اصطلاح؛ به معنای تکیه کردن، متکی شدن به کسی و کاری را به او سپردن، واگذار نمودن کاری به کسی است. (همان، ۲۴۹۷).

در اصطلاح علم روان‌شناسی؛ تعریف‌های متعددی برای اعتماد به نفس بیان شده است. در این میان برخی معنای حقیقی اعتماد به نفس را به توانایی درونی مرتبط کرده‌اند، نه رویدادهای خارجی و آن را عبارت می‌داند از: «نتیجه باور قلبی و درونی شما به توانایی‌ها و قابلیت‌هایتان» (دی آنجلیس، ۱۳۸۲: ص ۲۱). به بیان دیگر اعتماد به نفس؛ یعنی ایمان به توانایی‌های خویش برای رسیدن به اهداف مورد نظر است (اسلامی نسب و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۸). در واقع میزان آگاهی فردی از ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و تکیه بر همین عوامل در ارتباط با دیگران، اعتماد به نفس را شکل می‌دهد (کاوه، ۱۳۸۷: ۳۹).

برای روشن شدن رویکرد دینی اعتماد به نفس، توجه به مراتب نفس در کاربست قرآنی نکته کلیدی مفهوم شناسی است، تا مشخص شود: اعتماد به کدام نفس مورد تأیید قرآن است؟ و شعار «مامی توانیم» با کدام مرتبه‌آن مرتبط است؟ قرآن چند مرتبه برای نفس قائل است:

الف) نفس اماره: مقصود از نفس اماره غرایز نفسانی مهار نشده و تعدیل نگشته انسانی است که برای اشباع خود انسان را به انجام بدیها سوق می‌دهد: «وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ اِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْ» (یوسف/۵۳). هر چند پاسخ به خواسته‌های آن در حد نیاز، برای بقای حیات ضروری است، ولی از آنجا که این غرایز سیری ناپذیر است به صورت هوس‌های سرکش نمود می‌یابد، که انسان برای رسیدن به آن از عقل و شرع عبور می‌کند؛ چرا که عقل و شرع به حدی نیست که بتواند آن را کنترل کند، بلکه در بسیاری موارد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و اگر به مبارزه برخیزد شکست می‌خورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹/۴۳۷). در قرآن این مرحله از نفس با صفاتی چون مسوله؛ یعنی زینت دهنده یاد می‌کند: «فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ اَثَرِ الرَّسُوْلِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِيْ نَفْسِيْ» (طه/۹۶).

ب) نفس لوامه: این مرتبه پس از تعلیم و تربیت و مجاهدت به دست می‌آید، در این مرحله انسان بعد از تمایل به شهوات، خود را ملامت و سرزنش می‌نماید: «لَا اُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ لَا اُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَامَةِ» (قیامت/۱-۲)، نفس لوامه، همان وجدان بیدار است که مانند دادگاهی کوچک درونی انسان، نقش بازدارندگی از بدیها را ایفا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲/۱۰۳).

ج) نفس مطمئنه: این مرتبه پس از تصفیه و تهذیب از رذایل و هواهای نفسانی به مرحله می‌رسد که غرایز و شهوات نفسانی در برابر آن توانایی چندانی ندارد. در این مرتبه انسان با مهار هوای سرکش نفس، با ایمان و یاد خدا از مشکلات بیرونی به آرامش می‌رسد: «الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ...» (رعد/۲۸) (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲/۱۴۱۷). این مرتبه، مرتبه عالی و مطلوب و کمال یافته نفس است که خداوند از آن چنین یاد می‌کند: «يَا اَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ اَرْجِعِيْ اِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (فجر/۱-۲)

۳.۱. مفهوم توکل

در لغت عرب؛ توکل از ریشه وکل (یوکل، وکیلا) به معنای کاری را به دیگری واگذار کردن، تکیه و اعتماد کردن بعضی بر بعضی دیگر، نایب گرفتن دیگری، آمده است

(جوهری، ۱۴۱۰: ۱۸۴۴/۵) وَكُنْتُ لَهُ إِلِيكَ، یعنی قَوَّضْتُهُ: واگذار کردم او را به تو (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/۴۰۵). در لغت فارسی نیز: اعتماد کردن به دیگری، وا گذاشتن کار به وکیل، به امید خدا بودن و کار خود را به خدا وا گذاشتن، معنا می‌دهد (عمید، ۱۳۶۶: ۱/۶۴۲).

در اصطلاح؛ توکل، عبارت است از: «إِظْهَارُ الْعَجْزِ فِي الْأَمْرِ وَالْإِعْتِمَادُ عَلَى غَيْرِكَ»: اظهار ناتوانی در کار و واگذار کردن آن به غیر (ابن فارس، ۱۴۰۳، ج ۶/۱۳۶). چنانکه وکیل، کسی است که به او اعتماد و اتکا کرده و او را برای انجام کارش نایب قرار می‌دهد. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/۴۹۳، فیومی، بی‌تا: ۲/۶۷۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۲). در قرآن کریم «وکیل» به معنای حافظ، کارساز و مدبر، یکی از صفات خداوند است: «وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً (نساء/ ۸۱)»، «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ (آل عمران/ ۱۷۳)». در کاربرد قرآن، توکل همیشه توأم با جهاد و تلاش و کوشش است، نه تنبلی و فرار از مسئولیت‌ها، مؤید آن آیه ۱۵۹ آل عمران است که خداوند برای انجام امور مهم ابتدا دستور به مشورت و سپس تصمیم راسخ، و بعد توکل بر خدا داده شده است^۱.

تحلیل و بررسی

با توجه به مفاهیم ارائه شده از اعتماد، نفس و توکل، منظور از «نفس»، در کاربردهای قرآنی مرتبه اول و دوم آن، نیست؛ چرا که اعتماد به «نفس اماره» فریب خوردن و پیروی از هواهای نفسانی است که سرانجامش شکست و هلاکت و از دست دادن سرمایه‌ها است، به همین دلیل از اعتماد به آن منع شده است: «إِيَّاكَ وَ الثَّقَّةَ بِنَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَكْبَرِ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ؛ از اعتماد بر نفس خویش بر حذر باش که این کار، از بزرگترین دام‌های شیطان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۷). پر واضح است که منظور از اعتماد به نفس اماره، فریب خوردن و پیروی از هوای نفس است که انسان را به سوی بدیها سوق می‌دهد: (بقره/ ۸۷؛ ق/ ۱۶، نجم/ ۲۳؛ حشر/ ۹؛ نازعات/ ۴۰؛ معارج/ ۲۱ - ۱۹؛ قیامت/ ۵؛

۱. «... وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ».

عادیات (۶). نه اعتماد بر استعدادها و توانایی‌های خویش که در شعار «ما می‌توانیم» تبلور یافته است.

بررسی مفاد آیات و روایات نشان می‌دهد که اعتماد بر مرتبه دوم، یعنی «نفس لوّامه»، نیز، نادرست است. چرا که ملامت‌گری، شیوه شیطانی است: «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي تَلُومُونِي وَتُلُومُوا أَنْفُسَكُمْ» (ابراهیم/۲۲). از سوی دیگر هیچ‌گونه اثری از ملامت‌گری در کاربست‌های قرآنی دیده نمی‌شود. حتی اولیای خدا در مواجهه با خطاکاران، چنین شیوه را به‌کار نبرده است (یوسف/۱۸، ۶۶، ۶۷، ۸۶، ۸۷). در ضمن اینکه در علم روانشناسی سرزنش و ملامت‌گری عامل تخریب شخصیت و ضعف اعتماد به نفس شمرده شده است (مارستون، ۱۳۷۹: ۱۱۸-۱۱۸).

عالی‌ترین مرتبه، یعنی «نفس مطمئنه» نیز، نمی‌تواند مد نظر باشد؛ چرا که رسیدن به این مرحله نیازمند مجاهدت و مراقبت فراوان است. و رسیدن به این مرحله برای همه افراد مقدور نیست. در حالی که «شعار ما می‌توانیم»، به عنوان شعار ملی، باید برای همه افراد در همه مراحل زندگی مطلوب و دست‌یافتنی باشد. تا جایی که مقام معظم رهبری^(مدظله) بر ایجاد و صیانت از آن تأکید دارد: «اعتماد به نفس ملی را از دست ندهیم. این‌که امام فرمودند «ما می‌توانیم»، جمله بسیار مهم و پرمعنایی است. باورکنیم که می‌توانیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۲

.(https://farsi.khamenei.ir/search-result?q=۲۲۷۸۸

به نظر می‌رسد نفس، به معنای: «انسان مرکب از جسم و روح» با شاخصه‌های حقیقی اعتماد به نفس کاملاً همخوانی دارد، و واکاوی مفاهیم بدست آمده نشان می‌دهد، «ما می‌توانیم»، مترادف اعتماد به نفس، در علم روان‌شناسی است. هر چند این واژه در قرآن کریم بکار نرفته، اما واژه‌ای که با محتوای آن مرتبط است واژه «توکل» است. منتها در

کاربست قرآنی «وکیل» یکی از صفات الهی است؛ یعنی چون کارها از جانب خداست، نخست باید آن را به خدا موکول کرد. دوم اینکه مسبب الاسباب خداوند است، تاخواست و تقدیر الهی نباشد هیچ عملی به نتیجه نخواهد رسید و ثمره‌ای در زندگی ما نخواهد داشت (قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ۷ / ۲۴۱). امام خمینی علیه السلام در این خصوص فرمودند «اتکال به نفس، بعد از اعتماد به خداوند منشأ خیرات است» (حاضری و همکاران، ۱۳۷۷: ۳۰). در نتیجه در کاربری قرآنی «اعتماد به نفس» در امتداد توکل به خداوند است؛ یعنی یقین داشتن به رحیمیت خداوند و امید بستن به او همراه تلاش و کوشش، اعتماد به نفس است. (انوری، ۱۳۸۱: ۱۹۷۹). بنابراین، اعتماد به نفس دارای دو بُعد مثبت و منفی است؛ بعد منفی آن غرور و تکبر و سطله‌گری، و آسیب رسان است. اما بعد مثبت آن برآیند خودشناسی، و اتکا به خداوند است (اسلامی نسب، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۹).

توصیه اکید امام خمینی علیه السلام مبتنی بر بُعد اثباتی آن است که فرمود: «و لازم است که با این دو خصیصه، اتکال به خدای تبارک و تعالی، اطمینان به نفس، ... به پیش بروید و بعد از مدت کوتاهی خواهید دید که راه‌های سعادت بر شما باز می‌شود و قدرت‌های بزرگ طمع‌شان قطع می‌شود» (حاضری و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

۲. مؤلفه‌های شعار «ما می‌توانیم»

مؤلفه‌ها، به اجزای تشکیل دهنده چیزی گفته می‌شود که بدون آن نمی‌توان آن را تجزیه و تحلیل کرد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳/۱۹۲۸۳). حال، اینکه اجزای تشکیل دهنده شعار: «ما می‌توانیم» یا اعتماد به نفس، در کاربری قرآن کریم چیست؟ مؤلفه‌های زیر، مورد نظر است:

۱.۲. کرامت نفس

واژه «کریم»، یکی از اوصاف الهی (نمل/۴۰) و از ریشه «کَرَم» به معنای احسان و نعمت دادن آشکار است (راغب اصفهانی، ۱۳۱۲/۷۰۷) و چنانچه به انسان نسبت داده شود به

معنای رفتار و اخلاق قابل ستایشی است که از او سر زده است (همان). انسان کریم، کسی است که روح بزرگوارانه و منزه از هر پستی داشته باشد (جوادی آملی: ۲۱). و «کرامت نفس»، در انسان، با قطع نظر از جنبه شخصیتی، صفت خلقی ارزشمندی به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۸۱/۶).

انسان کریم، در کاربردهای قرآن، به انسانی اطلاق می‌شود که بذر اعتماد به نفس در خمیر مایه اولیه اش به ودیعت گذاشته شده است: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ...» (اعراف/۱۷۲). همچنین خداوند از روح خود در آن دمید: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...» (حجر/۲۹)، و با تعبیر بنی آدم، او را بر دیگر موجودات برتری داد و ارجمندی و کرامت را عنصر ذاتی او معرفی فرمود: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/۷۰). در حقیقت شناخت ارزشها و ضد ارزشها را در وجود انسان به ودیعت نهاد: «فَالَهُمْهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس/۸). این ارزشمندی و کرامت، به دلیل قدت تفکر و تعقل مختص انسان گردید، که با استعانت از آن، حق را از باطل، و خیر را از شر تشخیص می‌دهد و با قدرت اراده و اختیار^۱ موجودات کونیته را به تسخیر خود در می‌آورد^۲. با تکیه بر توانایی‌ها و توکل بر خداوند، با بهره‌مندی از علم و معرفت^۳، سرنوشت خویش را تعیین می‌کند: «... لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...» (رعد/۱۱). به نظر می‌رسد احساس ارزشمندی و نفیس بودن شخصیت انسان است که خداوند از میان موجودات، او را آئینه کمال، و خلیفه خود در زمین معرفی فرمود: «... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره/۳۰).

۱. انسان/۳. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

۲. بقره/۱۶۴. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلابِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَتَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»

۳. بقره/۳۱. «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...»

امروزه روان‌شناسان نیز برجسته‌ترین ویژگی‌های صاحبان تفکر و افراد خلاق را، داشتن احساس خود ارزشمندی، معرفی می‌کنند (بیابانگرد، ۱۳۷۴: ۷).

۲.۲. عزت نفس

عزت، حالتی است که از مغلوب واقع شدن انسان، مانع می‌شود و در واقع از اصطلاح: «أَرْضُ عِزَّازٍ»، به معنای زمین سخت و نفوذناپذیر، گرفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۳). در ادبیات فارسی شکست‌ناپذیری، توانایی در مقابل ذلت، سرافرازی و سربلندی را معنی می‌دهد (معین، ۱۳۸۲: ۱۰۶۳/۳). واژه «عزیز» و «عزة»، در قرآن کریم تنها از آن خداوند معرفی شده و جز او، مغلوب‌ناپذیر نخواهد بود: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» (صافات/۱۸۰)، لکن، این صفت، به غیر خدا، یعنی مؤمنان نیز، اطلاق شده است: «وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸). عطف مؤمنان به رسول و خداوند بیانگر شایستگی عزیز بودن مؤمنان است که در پرتوی ایمان و کرامت نفس، شایسته آن شده و به اعتبار ذات حق تعالی، صفت حقیقی است، در مقابل عزت غیرحقیقی: «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ» (ص/۲)، که ناشی کبر و غرور در مقابل حقیقت، ایجاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۱۰/۱۹). در واقع عزت کافران برخواسته از اوهام آنان است، که موجب ضلالت و گمراهی آنان می‌شود. بنابراین، عزت نفس، دارای دو بُعد مثبت و منفی است، که بعد منفی آن همان تعزز کفار بدون محوریت خداوند است که سرانجامش ذلت است؛ چنانکه از ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل است: «كُلُّ عَزِيزٍ غَيْرِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ جَلَّ جَلَالُهُ ذَلِيلٌ؛ هر عزتی که منتهی به خدا نباشد، سرانجامش ذلت و حقارت است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۰۸).

پژوهش‌های روان‌شناسان نیز نشان می‌دهد که عزت نفس، عامل تغییرات مثبتی، چون داشتن اعتماد به نفس و بلند همتی انسان است (بیابانگرد، ۱۳۷۴: ۱۳)؛ زیرا عزت نفس؛ آن حالت غرور و مناعت و احساس شرافت است که در پرتوی ایمان به خداوند حاصل می‌گردد، و به وسیله آن عزیز و بلند مرتبه می‌شوند. به همین رو، برخی عزت نفس را چیزی فراتر از احساس خود ارزشمندی می‌دانند که متعلق به عالم بالا و نتیجه عمل به تکلیف

الهی است (اسلامی نسب، وهمکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۸). پس عزتمند، کسی است که با اعتقاد و اعتماد به اندیشه و عملکرد و توانایی‌های خود، در برابر دیگران، تسلیم نشود و تن به ذلت و خواری ندهد و خود بر مشکلات، غالب گردد. (ناتانیل براند، ۱۳۷۹: ۵۲). اندیشمندان معتقدند، عزت و اعتماد به نفس، بنیادهای روانی و توسعه را شکل می‌دهد و توسعه فردی و ابتکارات شخص، ابزاری جهت تقویت قدرت علمی ملی و تحقق آرمان‌های ملت را فراهم می‌سازد (رضایی میرفائذ و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

۳.۲. ایمان و تقوا

واژه ایمان از مصدر «امن» به معنای امنیت، آرامش و نبود خوف است. ایمان، یعنی ایمنی انسان از هلاکت و گمراهی (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱/۱۳). اعتقاد قلبی و عمل به دستورات شریعت و آورده‌های پیامبر ﷺ، ایمان و به دارنده این ویژگی مؤمن اطلاق می‌گردد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغُونَ (مائده/۶۹) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰-۹۱). برخی ایمان را تسلیم توأم با اطمینان خاطر، معنا می‌کنند؛ چرا که طبق آیه قرآن: «وَجَعَلُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱۴) فرعونیان را که در مورد آیات حضرت موسی ﷺ از جانب خدا اعتقاد داشتند ولی تسلیم عقیده خود نبودند، کافر شمرده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۲۵/۱).

به تعبیر مرتضی آوینی: «ایمان منجی جهان فرداست، چنان‌که منجی ایران شد و انقلاب اسلامی را به سرچشمه جوشان انقلاب معنوی و دینی در سراسر جهان مبدل کرد» (آوینی، ۱۳۹۲، ۱۲۴)، در گام دوم انقلاب نیز، ایمان به خدا همانند روزهای آغازین آن، می‌تواند به عنوان فعال‌ترین نیروی باز دارنده در برابر تهاجمات تبلیغاتی و عملیاتی دشمنان، عمل کند.

تقوا؛ از ریشه «وقایه» به معنای حفظ و نگهداری چیزی است که زیان و ضرر می‌رساند (فراهیدی، بی‌تا: ۲۳۸ / ۵) همچنین محافظت نفس از ارتکاب گناه و خطا را تقوا گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱). در فرهنگ ادبیات فارسی، تقوا به: «نگه داشتن نفس خود از

گناه و اطاعت از خداوند، و پرهیزگاری» تعریف شده است (انوری، ۱۳۱۲: ۱۷۳۷) یا انجام اوامر و ترک نواهی الهی را تقوا نامیده‌اند (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۱).

در کار بست قرآن مبنای توکل به خداوند، ایمان و تقوای الهی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (مائده/۱۱). طبق دیدگاه مفسران، این آیه نخست دستور به تقوا می‌دهد، سپس اشاره به مسأله توکل می‌کند، در نتیجه حمایت خداوند شامل حال افراد با تقوا می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴/۳۰۶). قرآن کریم شاخصه ایمان واقعی را توکل بر خداوند می‌داند: «وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (تغابن/۱۳)، لذا ایمان با توکل رابطه مستقیم دارد؛ چرا که فقط مؤمنان واقعی بر خدا تکیه می‌کنند: «وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده/۲۳). به همین دلیل است که شیطان تسلطی بر آنان ندارند: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل/۹۹). طبرسی ذیل آیه ۲۰۶ سوره بقره که در شأن منافقان نازل شده: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ»، می‌گوید: کسانی که از تقوا و ایمان کافی برخوردار نیستند، در اثر کفری که در دل دارند دچار غرور و خود بزرگی بینی می‌شود، در نتیجه همان غرور و تعصب جاهلیت او را به گناه وا می‌دارد. که پیامدی جز آتش جهنم نخواهد داشت (طبرسی، بی‌تا: ۱۸۳/۲).

بررسی و تحلیل مؤلفه‌ها

برآیند تحلیل مؤلفه‌های «مامی توانیم» نشان می‌دهد؛ صرف باور و اتکا به توانایی‌ها و استعدادهای خویش و ارزش نهادن به نفس، سبب تکبر و خود بینی کاذب می‌شود. و نه تنها پسندیده نیست که عامل شکست نیز می‌شود. در صورتی که از دیدگاه قرآن، «اعتماد به نفس» دارای عناصر و مؤلفه‌های ارزشمندی است، که بیانگر عمق و گستردگی محتوای آن است. همان اعتماد به نفسی که امام خمینی علیه السلام به آن توصیه فرمود: «شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند. راه را برای شما باز می‌کند در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را برای شما الهام می‌کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان، شما

خودتان جوان‌هایی هستید که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید، مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند به شرطی که اعتماد به نفس داشته باشند و معتقد بشوند که ما می‌توانیم...» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

مؤلفه اول «ما می‌توانیم» کرامت مادی و معنوی است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا»، که جمله «کرمانا» به جنبه‌های مادی و «فضلنا» به مواهب معنوی، اشاره دارد. و این همه کرامات به دلیل برخورداری از قوه عقل، اختیار و اراده، است. انسان کریم دارای مجموعه‌ای از استعدادهای عالی و توانایی بسیار نامحدود برای پیمودن مسیر تکامل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۹/۱۲).

از دیگر سو، انسان کریم قطعاً عزیز خواهد بود: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» مفسران وجه تسمیه «عزیز» را توانا بودن و شکست ناپذیر می‌دانند، که عنصر اصلی، آن اعتماد به نفس است. مؤید آن، روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرمودند: «الْمُؤْمِنُ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ، إِنَّ الْجَبَلَ يَسْتَفْلُ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَفْلُ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ؛ مؤمن عزیز است و ذلیل نخواهد بود مؤمن از کوه محکم‌تر و پر صلابت‌تر است؛ چرا که کوه را با کلنگ‌ها ممکن است سوراخ کرد ولی چیزی از دین مؤمن، کاسته نمی‌شود» (حویزی، ۱۴۱۵: ۳۳۶/۵). در آیه دهم از سوره فاطر علت عزیز شدن، چنین بیان شده است: «... يَضَعُدُ الْكَلِمَ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...». برخی مفسران معتقد است: «عزّت، قدرتی درونی است که انسان را از تسلیم و سازش با طاغوت‌ها باز می‌دارد؛ انسان عزیز در برابر شهوات اسیر نمی‌شود و تحت تسلط زر و زور قرار نمی‌گیرد. این نیروی عزّت ریشه در ایمان به خدا و عمل صالح، [به بیان دیگر، دین اسلام] دارد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰/۱۷؛ طیب، ۱۳۹۶: ۱۱/۱۱).

عزت انسان در راستای کرامت او شکل می‌گیرد؛ چنانچه مایه کرامت که همان عقل است شکوفا گردد، در پرتو آن از ضلالت و گمراهی مصون می‌شود و مصونیت، همان تقوای

۱. «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر/۲۳)

الهی است، که عامل نجات و رستگاری انسان را فراهم می‌کند. البته تنها کسانی از عزت بهره‌مند می‌شود که در پرتوی عقل، به تقوا و ایمان راه یابند و به خدا توکل کنند «اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ». سرانجام همانگونه که انقلاب اسلامی بر مبنای اسلامی خود ریشه در فطرت دارد (طاهر زاد، ۱۳۹۸: ۱۱۳۲)، شعارهای آن نیز، باید مبتنی بر کرامت نفس، عزت نفس، ایمان و تقوا، باشد.

اعتماد به برنامه‌های کاری در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بدون ایمان و توکل به خداوند، برای برون رفت از چالش‌ها کافی نیست، و منجر به یأس و ناکامی می‌شود. ولی تلاش در سایه حاکمیت الهی، و امید به خداوند، قطعاً در کارها گشایش ایجاد خواهد شد و بر اساس همین اصل، اعتماد ملی نسبت به انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد (حقی، ۱۳۹۷، ص ۲۰؛ طاهر زاده، ۱۳۸۸: ص ۳۴). و بطور قطع ملتی که دارای کرامت، عزت، و تقوی و ایمان باشد و به خدا توکل می‌کند، خداوند عزیز و حکیم بهترین‌ها را برایشان رقم می‌زند: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/۴۹). چرا که خداوند مطابق حکمت خویش متوکلین را تنها نمی‌گذارد: «این اعتماد به نفس ملی با نیروی ایمان همراه بود؛ ما مثل بعضی از کشورهای دیگری که انقلاب کردند، بی‌خدا، بی‌توکل، بی‌معنویت نبودیم که وسط راه بمانیم؛ ایمان، ما را نگه داشت، ما را حفظ کرد، ما را هدایت کرد، ما را پیش برد...» (https://farsi.khamenei.ir/search-result?q=۴۰۰۵۵).

۳. مبانی شعار: ما می‌توانیم

پس از بیان مؤلفه‌ها، باید دید «شعار ما می‌توانیم»، بر چه مبنا و شالوده شکل می‌گیرد؟ بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد، اساس و مبنای شکل‌گیری «اعتماد به نفس» موارد ذیل است:

۱.۳. خودشناسی

خودشناسی، را شناخت و ارزیابی توانایی‌ها و ضعف‌های خود برای رسیدن به

کمالات، معنا می‌کنند. خودشناسی فرد را از پایین‌ترین مرتبه حیوانی به بالاترین مرتبه انسانی می‌رساند (نیلی پور، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۳۵). خداوند خود فراموشی را نتیجه فراموشی خدا می‌داند: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» (حشر/۱۹)؛ زیرا انسان مخلوق آفریدگار قادر و عالم و دانا است، کسی که این خالقش را نشناسد گوهر وجودی خویش را نخواهد شناخت. مفسران در تفسیر آیه می‌گویند: «بزرگترین بدبختی‌ها و مصائب انسان خود فراموشی است؛ چرا که ارزش‌ها و استعدادها و لیاقت‌های ذاتی خود را که خدا در او نهفته و از بقیه مخلوقات ممتازش ساخته، به دست فراموشی می‌سپرد، و این مساوی با فراموش کردن انسانیت خویش است، و چنین انسانی تا سرحد يك حیوان درنده سقوط می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳/ ۵۴۱). چرا که فراموشی خداوند سبب می‌شود انسان، واقعیت و هویت انسانی خویش را فراموش کند، خود را مستقل و غنی و بی‌نیاز بداند، همین سبب اعتماد به نفس اماره و لوازمه می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۹/ ۲۱۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۷۲/ ۲۸). چنانکه در بخش مراتب نفس بیان شد، سرانجامش شکست و هلاکت است.

بر اساس این آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ» (مائده/۱۰۵)، هدایت انسان بر دو چیز استوار است: خودشناسی، و دوری از اهل ضلالت و گمراهی (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۶/ ۱۶۳). چرا که ریشه شکست‌ها، ضعف و ناتوانی نفس است. اگر نفس، اصلاح و هدایت شود آسیبی از بیرون به انسان نخواهد رسید. و براساس همین اصل قرآنی، امام خمینی علیه السلام مردم را به خودشناسی فراخواند: «مسلمانان باید خودشان را پیدا کنند یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند خودشان یک کشوری دارند، ... باید برگردند به همان حالی که با جمعیت کم غلبه کردند بر همه قدرت‌ها» (خمینی، ۱۳۷۸: ۷۷). در حقیقت این اعتماد به نفس ملی در سایه خودشناسی، و توکل به خداوند، شکل می‌گیرد: «ملت ایران نسبت به خود یک نگاه حقارت‌پندارانه داشت ... امام این را تبدیل کرد به احساس عزّت، احساس اعتماد به نفس، ... یعنی حالت خودحقیر پنداری که در مردم بود، بکلی تبدیل شد به حالت عزّت و اعتماد به نفس ملی» امام

خامنه‌ای، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۹/۰۳/۱۴ (۴۵۸۱۴) <https://farsi.khamenei.ir/search-result?q=۴۵۸۱۴>.

قرآن کریم در جای دیگر با تعجب از غفلت انسان نسبت واقعیت‌های جهان هستی می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ» (روم/۸). به نظر می‌رسد «فِي أَنفُسِهِمْ» بدان معنا باشد که انسان در اسرار درون خود تفکر کند و یا اینکه از طریق عقل بیندیشد و به حقانیت و اهداف آفرینش پی‌ببرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۲۹/۱۶)؛ آیه کریمه از یک سو به شناخت ویژگی‌های هویتی انسان اشاره می‌کند و از دیگر سو به هدفمندی جهان خلقت؛ که هر دو، نقش بسیار زیادی در اعتماد به نفس ایفا می‌کند. انسان به وسیله خود شناسی، سعی می‌کند تمام توانمندی‌های خویش را به گونه‌ای منظم و هماهنگ به فعلیت برساند، (صیقلانی، ۱۳۸۵: ۲۹). چون همه چیز را هدفمند می‌داند، با توکل به خدا، از حد اکثر نیروی خود برای رسیدن اهداف عالی استفاده می‌کند.

۲.۳. خدا شناسی

قطعا شناخت خالق جهان هستی، که حکیم، غنی، و حافظ و کارساز، کفایت کننده رزق، کفایت کننده مهمات، مدبّر خالق هستی است، مبنا و اساس اعتماد به نفس را شکل می‌دهد: «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (توبه/۱۲۹). واژه «حَسْبِيَ» از ریشه حساب است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۲)؛ یعنی خداوند به لحاظ حسابرسی برای انسان کافی است، زیرا بگونه به محاسبه انسان می‌رسد که او را از غیر، بی‌نیاز کرده و نعمت‌های فراوان و گوناگونی در اختیار شان قرار می‌دهد. با توجه به اینکه او بهترین تدبیرها را برای انسان انجام می‌دهد، کافی است، فقط به خالق هستی اعتماد کرد: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (طبرسی، بی‌تا: ۳۲۹/۵؛ مغنیه، ۱۴۲۵: ۲۵۶/۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۱۸۴/۳). با توجه به شأن نزول آیه ۱۲۹ توبه که اشاره به مشکلات رسول خدا و آزار و اذیت او توسط مردم دارد، چنانچه انسان در مسیر زندگی با مشکلات، تهدیدها و توطئه‌ها مواجه شود، بر خدا توکل کند و نترسد حتما موفق خواهد شد، زیرا

خداوند حافظ او است «و كَفَى بِاللَّهِ وَكَيْلًا» (احزاب / ۳؛ انسان / ۱۸)

۳.۳. توکل

در کاربست قرآن توکل بدین معناست که انسان در برابر مشکلات سخت، احساس حقارت و ضعف نکند، بلکه با اتکای بر قدرت بی‌پایان خداوند، خود را پیروز و فاتح بداند، این توکل امید آفرین، نیرو بخش و سبب پایداری و مقاومت است. مؤید آن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سرآمد متوکلان است که برای پیشبرد اهدافش از هیچگونه فرصت، نقشه صحیح، تاکتیک مثبت، و انواع وسائل و اسباب ظاهری غفلت نمی‌ورزید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰ / ۲۹۸ و ۲۹۷).

وقتی انسان قادر مطلق را بشناسد، باتکیه بر لطف و مهربانی خداوند، بدون نگرانی از سختی‌ها و یأس و ناامیدی در مسیر زندگی تلاش می‌کند: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق / ۳)؛ چون می‌داند حساب و کتاب، همه چیز تحت اراده اوست: «كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (بقره / ۳۵۳). و اوست که نیروی تأثیر و تأثر را در اسباب طبیعی قرار داده است. و هر حکمی که بخواهد می‌کند «إِنَّ اللَّهَ يَخُكِّمُ مَا يُرِيدُ (مائده / ۱). و هیچکس توان جلوگیری از فرمان خدا را ندارد «وَاللَّهُ يَخُكِّمُ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ رِجَالِهِ» (رعد / ۴۱). اگر انسان، تحت حکم خداوند قرار گیرد، خداوند راه برون رفت را می‌گشاید، امیدوارانه کار خود را ادامه می‌دهد. همانطور که معلوم نشد چگونه انقلاب اسلامی بر نظام شاهنشاهی پیروز شد و یک مرتبه در عرض یک سال حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را به هم ریخت (طاهر زاده، ۱۳۸۸: ۳۴)؛ به بیان امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ: «مردم ایران یک تحولی روحی پیدا کردند به دست خدای تبارک و تعالی که همین مردم بی‌ساز و برگی که آن روز از یک پاسبان می‌ترسیدند حالا دیگر از توپ و تانگ نترسیدند و آمدند و ریختند

۱. «هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۰۲ انعام)؛ «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ...» (توبه / ۱۲۹)

بر سر [زمانداران]، ... قدرت ایمان، قوه اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت. ما منت از خدای تبارک تعالی می‌کشیم» (خمینی، ۱۳۷۸: ۶۱).

تحلیل و بررسی مبانی

اساس و مبنای شعار «مامی توانیم» خود شناسی خداشناسی است که میوه آن توکل است. هرچند خود شناسی امر نسبی است و شناخت اتم و اکمل برای انسان وجود ندارد، ولی تجربه نشان می‌دهد کسانی می‌توانند کارهای خارق العاده انجام دهند یا اندیشه برتری داشته باشد که شناخت کافی از خود داشته باشد (صیقلانی، ۱۳۸۵: ۷۰). چنانکه بیان شد در کاربست قرآنی خودشناسی می‌تواند فرد را به بالاترین مراتب انسانی برساند؛ آیه: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ أَنْفُسَهُمْ» خود فراموشی را نتیجه خدا فراموشی می‌داند؛ زیرا کسی که خالق خود را فراموش کند برای خود استقلال قائل شده و با تکیه برهواهای نفس، کرامت ذاتی را زیر پا گذارده است. از سوی دیگر، خلقت هستی را بدون هدف پنداشته و تمام توانش را صرف کسب لذت‌های مادی نموده، شقاوت و بدبختی دنیوی و اخروی خویش را فراهم می‌سازد.

اینکه خود شناسی چگونه اساس اعتماد به نفس می‌شود چند نکته، از آیه ۱۰۵ سوره مائده برداشت می‌شود:

اول: با شناخت توانایی‌های بالقوه‌ای که خداوند به انسان عنایت فرمود «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات/۲۱)، تا جایی که شایسته خلیفه الهی شد «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰)، قطعاً احساس ارزشمندی می‌کنند. ارزشمندی مبنای، احساس اعتماد به نفس می‌شود.

دوم: هدفمندی جهان خلقت؛ سبب برانگیختن امید و انگیزه می‌شود. و انسان با اشتیاق بیشتر برای رسیدن به اهداف والای خود تلاش می‌کند. طبق دیدگاه روانشناسان هدف‌ها توان انسان را سازماندهی و متمرکز کرده و به زندگی انسان معنا می‌بخشد (صیقلانی، ۱۳۸۵: ۶۳). معنا دار شدن زندگی به انسان امید و انگیزه می‌بخشد.

سوم: با توجه به شأن نزول آیه که یهودیان با تکیه به قدرت و غرور و تکبر، پیامبر ﷺ و یاران‌ش را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، نشان می‌دهد آنچه در قرآن نهی می‌شود، فراموشی خود واقعی است نه خود فعلی^۱. مصداق بارز اعتماد به خود فعلی، غرور و تکبر و استبداد و استعمار کشورهای غربی است که برآیند آن، ظلم و ستم و فساد و حاکمیت فرهنگ بی‌بند و باری است. و متأسفانه علی‌رغم هشدارهای قرآن مبنی بر غیر اعتماد بودن آن، پاره از مسلمانان مجذوب رنگ و لعاب‌های فرهنگ غرب می‌شوند. در حالی که کاربست قرآن از خود فعلی یا آرمانی، با اوصافی بسیار معنا داری چون: نفس اماره (یوسف/۴۳)، مغفوله (کهف/۲۸)؛ نفس مدسوسه (شمس/۱۰)، مریضه (احزاب/۱۲؛ توبه/۱۲۵)، قاسیه (حج/۵۳؛ زمر/۲۲)، نفس مطبوعه، یعنی حقایق را درک نمی‌کند (بقره/۷، محمد/۱۶) و واژگونه (انعام/۱۱۰) تعبیر می‌کند.

همچنین از خود واقعی با اوصافی چون: نفس منیبه (ق/۳۳)؛ سلیمه (شعراء، ۸۸ - ۸۹)، زکیه (شمس/۹، اعلیٰ/۱۴ و ۱۵)، و نفس راضیه، مرضیه، مطمئنه (فجر/۲۸) یاد کرده و توانایی انسان را گوشزد می‌نماید. تا انسان در مواجهه با ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود مأیوس و سرخورده نگردد، بلکه با اصلاح نقطه ضعف‌ها و به فعلیت رساندن توانایی‌های بالقوه خدادادی، برای رشد معنوی و مادی خویش تلاش کند. اصلاً مهترین حرکت انبیا و به تبع آن انقلاب اسلامی، توجه دادن انسان به توانایی‌های اصیل آن است، تا مناسبت‌های آموزشی، اقتصادی، سیاسی خود را براساس آن شکل دهد، و در عین حضور فعال در زندگی

۱. روانشناسان نیز مبنای اعتماد به نفس را شناخت «خود واقعی» می‌دانند. خود واقعی؛ مجموعه احساسات، وعواطف طبیعی و ویژگی‌های اصیل فرد است. که در صورت مساعد بودن عوامل رشد، بطور طبیعی استعدادها و نیروهای فرد طبق آن رشد می‌کند. و اعتماد بر «خود آرمانی»؛ چیزی که فرد تصور می‌کند هست، یا آرزو می‌کند باشد. و «خود فعلی»؛ یعنی خودی که تحت تأثیر اضطراب، تضاد، و سایر جریان‌های عصبی شکل و فرم گرفته، را عامل شکست می‌داند (اسلامی نسب، ۱۳۸۶: ص ۲۵ - ۳۱). مانند خوی سلطه‌گری، تعصب، تحجرگرایی و... که تحت تأثیر محیط خانوادگی و اجتماعی و آموزشی نامتناسب شکل می‌گیرد.

دنیایی، از ابدیت نیز غافل نشود (طاهر زاده، ۱۳۸۸: ۹۹).

همانگونه که پیش از این، اشاره شد خداوند به انسان اطمینان می‌دهد، چنانچه به خداوند توکل کند او شما را کفایت می‌کند «فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ چرا که خداوند قادر مطلق، و فرمانش در همه چیز نافذ است: «إِنَّ اللَّهَ بِالْغُلُوبِ أَمَرٌ». خداوند برای هر کار و هر چیز اندازه و حسابی قرار داده است: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا». بنابر این، توکل، توأم با تلاش و کوشش و مقاومت در برابر چالش‌ها است که خداوند برون رفت از آنها را تضمین فرموده است این ضمانت الهی خارج محاسبه انسان است: «حَيْثُ لَا يَخْتَسِبُ» (طلاق/۳). و غیر محاسبه بودن لطف و عنایت الهی؛ اولاً: قدرت روانی به انسان می‌دهد، تا بر مشکلات پیروز شود، ثانیاً: عامل اصلی توکل به خدا، پیوند عمیق عجز به قدرت مطلق است که چنین پیوندی انسان را، از وابستگی به دیگران، که عامل اصلی ذلت و سرسپردگی است، نجات می‌دهد، و به او اعتماد به نفس می‌بخشد. بیانات مقام معظم رهبری^(مد ظله) در دیدار نخبگان جوان، تبلور یافته همین نکته قرآنی است: «عزیزان من! خودتان را برای آینده آماده کنید؛ خودتان را برای اداره این کشور آماده کنید. علاج مشکلات این کشور - چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت... در گرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملت است؛ از درون ملت بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد؛ چشم‌ها، باز؛ روحیه‌ها با توکل به خدا و اعتماد به نفس، قوی. اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه‌هایمان قوی خواهد بود؛ هم در زمینه علمی، هم در زمینه مدیریتی، هم در زمینه اداری» (امام خامنه‌ای بیانات در دیدار دانش‌آموزان و

دانشجویان ۱۳۹۵/۰۸/۱۲

(<https://farsi.khamenei.ir/search-result?q=34815>).

در جمع بندی باید گفت همانطور که شناخت انسان و پی بردن به کرامت وجودی آن سبب تقویت قلب و اطمینان شخص می‌شود، بررسی شخصیت انقلاب اسلامی و آشکار شدن توانایی‌های ملی سبب اطمینان و اعتماد ملی می‌شود: «باور به خدا، باور به مردم، و

باور به خود؛ این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد... این سه باور... فکر امام و راه امام و طریقه امام را برای این ملت، ماندگار و ثابت کرد؛ آن وقت همین سه باور بتدریج در مردم ما، در جوانان ما، در قشرهای گوناگون، همگانی شد؛ امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد؛ اینها جای یأس را گرفت...؛ مردم ایران روحيات خودشان را تغییر دادند، خدای متعال هم وضع آنها را تغییر داد: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد ۱/ همان: کد بیانات، ۲۲۷۸۸)

برآیند تحقیق

- مبانی فکری انقلاب اسلامی نشأت گرفته از قرآن کریم، سیره و روش عملی پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت  است. گردانندگان انقلاب اسلامی، تلاش دارند آموزه‌های دین را در جامعه حاکم کنند، و بر مبنای دستورات الهی جامعه را اداره کنند. از این رو شایسته است جلوه‌های بیرونی و عملکردهای آحاد ملت، اعم از ارزشها، اعتقادات، و مقتضیات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، هماهنگ با اهداف دین باشد. در سایه هماهنگی اندیشه و عمل است، که ملت ایران می‌تواند تداوم دهنده و توسعه دهنده مکتب ائمه اطهار  باشد.

ملت ایران در ایجاد و حفظ آرمان‌ها و شعار انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های دیگر منحصر به فرد است. با وجود تمام مشکلات، وسوسه‌ها، کارشکنی‌ها، ایستاد و با حفظ کرامت و اصالت شعارهایش، وارد دومین مرحله خود سازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شد. طبق بیانات مقام معظم رهبری ^(مد ظله) شعار «مامی توانیم» تبلور، آرمان‌ها و خواسته‌های انقلاب اسلامی برای گام دوم است. به بیان دیگر «ما می‌توانیم» حکم رهبری؛ مبنی بر مقاومت و ایستادگی در برابر هجمه‌های متعدد دشمنان است. از دیگر سو، امیدواری و تلاش برای ساختن جامعه مدرن و زمینه سازی حکومت مهدوی است: «گام دوم، اعتماد به نفس و عزم بر ایستادگی است. آدم‌های بی‌روحیه، مردّد، ترسو، فرصت طلب،

خودکم‌بین، در این میدان هیچ هنری نمی‌توانند نشان بدهند، اگر مانع برای دیگران درست نکنند. خودشان که هیچ کاری نمیتوانند بکنند، گاهی مانع هم در مقابل دیگران به وجود می‌آورند؛ مایوسند، دیگران را هم مایوس میکنند؛ ... قرآن کریم درباره گروهی از افرادی که در آن وقت بودند، این جور می‌فرماید: لَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضِعُوا خِلَالَكُمْ (توبه/ ۴۷)؛ یعنی اینها اگر به میدان جهاد هم با شما بیایند، شما را به فساد می‌کشانند... کمک که نمی‌کنند، مانع راه هم می‌شوند (امام خامنه‌ای، «بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲»

(<https://farsi.khamenei.ir/search-result?q=۴۰۶۴۵>).

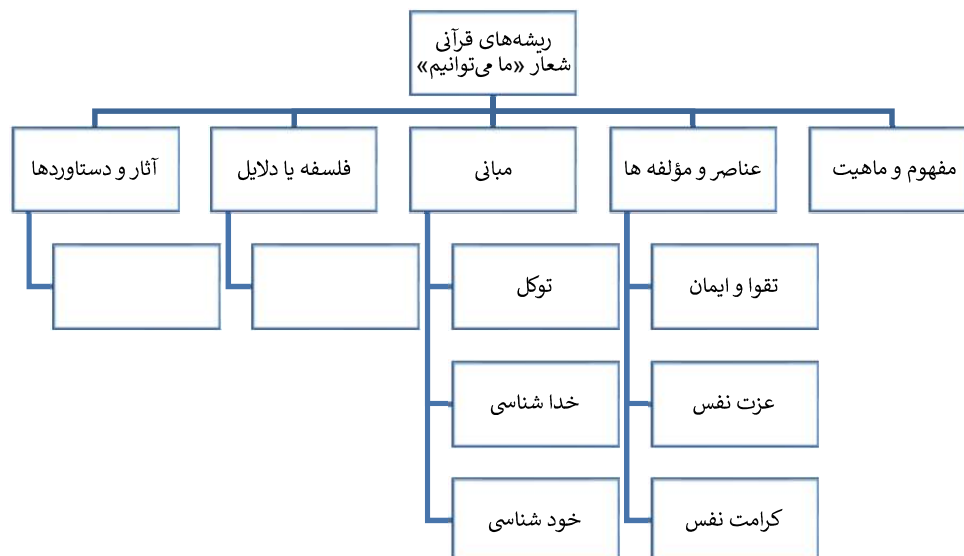
- به نظر می‌رسد آنچه مورد نظر مقام معظم رهبری^(مدظله) است اعتماد به نفس قرآنی است. زیرا از منظر قرآن کریم اعتماد بر بُعد روحانی و کمال یافته، می‌تواند انسان را مسجود ملائکه و برتر از آنها قرار دهد. اما تکیه بر بُعد حیوانی، انسان پست‌تر از حیوان، قرار خواهد گرفت. لذا در قرآن کریم اعتماد به نفس فعلی که غرب آن را تبلیغ و ترویج می‌کند، مذمت شده است. و از آن با صفاتی چون لوازه و اماره و.. یاد شده و از اعتماد بر آن نهی می‌کند. تکیه بر این بُعد از نفس سرانجامش غرور و تکبر، سلطه‌گیری، استعمارگری و فساد است که جهان غرب گرفتار آن هستند. آنچه مرادف شعا مامی‌توانیم هست، اعتماد بر نفس واقعی است که حد کمال یافته آن در قرآن به «طیبه» توصیف شده است.

- با توجه به ماهیت اسلامی شعار «ما می‌توانیم»، این سؤال در ذهن تداعی می‌کند: مامی‌توانیم از منظر قرآن به چه معناست؟ و از چه عناصر و مؤلفه‌هایی شکل یافته است؟ بر چه اساس و مبنایی استوار است؟ فلسفه، آثار و دستاوردهای آن چیست؟ کاوش در قرآن کریم نشان می‌دهد مفهوم قرآنی اعتماد به نفس بسیار گسترده‌تر از مفاهیم لغوی و روانشناسی آن است. در کاربری قرآن اعتماد به نفسی مورد قبول است که از کرامت و عزت و ایمان و تقوا شکل یافته باشد و برپایه شناخت خداوند و توکل استوار گردد. بررسی آیات توکل نشان داد همه انسانها دارای کرامت ذاتی هستند ولی همه عزیز نیستند بلکه عزت

فقط از اهل ایمان و تقواست. این گزاره‌های قرآنی، همانطور که اساس پیروزی و تداوم انقلاب شد عامل صیانت و حفظ آن در آینده نیز خواهد بود.

- از سوی دیگر، همانگونه که شناخت شخصیت انسان و پی بردن به اصالت وجودی: کرامت و عزت خدادادی، سبب قوت قلب و اطمینان شخص می‌شود، بررسی و شناخت شخصیت انقلاب اسلامی و آشکار شدن جنبه‌های گوناگون آن اطمینان و اعتماد ملی را شکل می‌دهد. ثمره خود شناسی و خداشناسی توکل به خداوند است. زیرا خداوند بر اساس لطف و رحمت و حکمت خویش بهترین‌ها را برای انسان رقم می‌زند. چنانچه توکل، توأم با تلاش و کوشش و مقاومت در برابر سختی‌ها باشد، حتما پیروز می‌شود. زیرا خداوند حمایت از متوکلین خود را تضمین فرموده است: «حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». غیر محاسبه بودن لطف و عنایت الهی، قدرت روانی به انسان می‌دهد، و سبب اعتماد به نفس می‌شود. به علت عدم گنجایش نوشتار حاضر، به عنوان حسن ختام ریشه یابی «فلسفه و آثار و دستاوردهای شعار انقلاب در قرآن» به نوشتار دیگر واگذار می‌گردد.

نمودار ریشه‌های قرآنی شعار «مامی توانیم»



منابع

۱. قرآن کریم قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۲. آوینی، سید مرتضی (۱۳۹۲)، *آغازی بر یک پایان*، [ویراست ۳]، چاپ چهارم، تهران: نشر واحد.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس الغه*، بیروت: دارالجمیل.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: بی‌نا.
۶. اشراقی، مرتضی (۱۳۹۶)، *مبانی*، اهداف و بازتاب پیام‌ها و شعارهای بنیادین انقلاب اسلامی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۷. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۴)، *روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان*، چاپ سوم، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، چاپ اول، ایران - قم - بی‌نا.
۹. جوادی املی، عبدالله (۱۳۷۶)، *کرامت در قرآن*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، جلد ۲ و ۵، چاپ اول، لبنان - بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، *تفسیر نور الثقلین*، جلد ۵، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۱۲. حقی، محمد (۱۳۹۷)، *انقلاب اسلامی مبانی و ویژگی‌ها با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم هبری*، برگرفته از آثار موجود، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۳. حاضری، علی محمد (۱۳۷۷)، *علیخانی*، علی اکبر، خود باختگی و خودباوری از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

۱۴. خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام: اهمیت و جایگاه و عوامل تعلیم و تربیت، [ویرایش ۲]. تدوین مجتبی فراهانی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۵. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۱)، یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی: حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) رهبر انقلاب اسلامی - [تهیه کننده] مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، قم: انشتارات انقلاب اسلامی (وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی).
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین و سید جعفر شهیدی، چاپ اول دوره جدید، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. دی آنجلس، باربارا (۱۳۸۲)، اعتماد به نفس: دستیابی به آن و زندگی با آن، برگردان هادی ابراهیمی، تهران: نسل نواندیش.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، جلد ۱۶ و ۱۷، پژوهش‌های تفسیری و علوم قرآن، چاپ اول، قم: بی‌نا.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت - دمشق، بی‌نا.
۲۰. رضایی میرقائد، محسن (۱۳۸۶)، ایران آینده، در افق چشم انداز، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشار.
۲۱. شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری، ۱۴ جلد، چاپ اول، ایران - تهران: میقات.
۲۲. صیقلانی، کریمیان (۱۳۸۵)، خود باوری، (سلسله گفتارهای تربیتی - اخلاقی)، قم: مرکز پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن. جلد ۱۱، چاپ دوم، تهران: اسلام.

۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲ و ۶، چاپ دوم، لبنان - بیروت: مؤسسه‌ی‌الاعلمی للمطبوعات.
۲۵. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: محمد جواد بلاغی، جلد ۱ و ۲ و ۵، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۳ و ۵، چاپ اول، لبنان - بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: بی‌نا.
۲۸. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی بازگشت به عهد قدسی، اصفهان: لب المیزان.
۲۹. ----- (۱۳۹۸)، انقلاب اسلامی برون رفت از عالم غربی، چاپ اول، اصفهان: لب المیزان.
۳۰. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، چاپ اول، بیروت: بی‌نا.
۳۱. عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴)، قرآن - روانشناسی و علوم تربیتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۳۲. عمید، حسن (۱۳۶۶)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، جلد ۵ و ۷، چاپ دوم، قم: بی‌نا.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، لبنان - بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی‌تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، جلد ۲، چاپ اول، قم - ایران: منشورات دارالرضی.
۳۶. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، جلد ۱ و ۵، چاپ ششم، ایران - تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۷. کاوه، سعید (۱۳۸۷)، کمبود اعتماد به نفس، تهران: سخن.

۳۸. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۲۳)، زبدة التفاسیر، جلد ۳، چاپ اول، ایران - قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.

۳۹. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ معین، فرهنگ معین، تهران: زرین نگارستان کتاب.

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، جلد ۴ و ۹ و ۱۲ و ۱۹ و ۲۳، چاپ دهم، ایران - تهران: دارالکتب الإسلامية.

۴۱. مغنیه، محمدجواد (۱۳۲۵)، التفسیر المبین، جلد ۱، چاپ سوم، ایران - قم: دار الکتب الإسلامية.

۴۲. مارستون (۱۳۷۹)، معجزه تشویق، ترجمه توراندخت تمدن، چاپ دوم، [بی‌جا]: علمی.

۴۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: بی‌نا.

۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، یاد داشت‌های شهید مطهری، جلد ۶، تهران، - قم: صدرا.

۴۵. ناتانیل براندن (۱۳۷۹)، روان شناسی عزت نفس، مترجم: مهدی قراچه داغی، تهران: نشر نخستین.

۴۶. نیلی پور، مهدی (۱۳۸۷)، بهشت اخلاق، قم، مؤسسه تحقیقاتی ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۴۷. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله): ما می‌توانیم - <https://farsi.khamenei.ir/search-result?q>

۴۸. بیانیه گام دوم انقلاب: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>